

**شوخی های پیامبر(بهشتی ها)**

پیرزنی نزد حضرت محمد (ص) آمد . او دلش می خواست که بعد از مرگش به بهشت برود ...



پیرزنی نزد حضرت محمد (ص) آمد . او دلش می خواست که بعد از مرگش به بهشت برود .  
حضرت محمد (ص) به او گفتند :

171#& پیرزن به بهشت نمی رود &raquo;

پیر زن با ناراحتی از پیش حضرت محمد (ص) رفت.

همین موقع بلال حبشی ، غمگین وارد شد.

گفت پیر زن را دیده است که ناراحت بیرون می رفته .

حضرت محمد(ص) فرمودند : &#171#& توهم به بهشت نمی روی&raquo;

بلال هم غصه دار شد و رفت کنار پیرزن نشست.

عباس عموی پیامبر، بلال و پیرزن را ناراحت دید . پرسید چرا ناراحت اند !

آن ها هم ماجرا را تعریف کردند.

عباس این موضوع را برای پیا مبر تعریف کرد.

حضرت محمد (ص) به عموی پیرشان گفتند : &#171#& پیرمرد هم به بهشت نمی رود&raquo;

عباس هم ناراحت شد .

سپس حضرت محمد (ص) از هر سه نفر خواستند تا پیششان بیایند .

ایشان با خنده فرمودند : &#171#& خداوند اهالی بهشت را با چهره هایی جوان و نورانی و درحالی که تاجی به سر دارند ، وارد بهشت

می کند ؛ نه با صورتی پیر و غمگین &raquo;